



امروز ما

ارگان نشراتی حزب وحدت اسلامی افغانستان

۶ ربیع الاول ۱۴۱۷ هـ ق

۲۱ جولای ۱۹۹۶ م

یکشنبه ۳۱ سرطان ۱۳۷۵

شماره بیست و سوم

حضرت آیت الله پروانی رئیس شورای عالی نظارت در خطبه های نماز جمعه:

حزب وحدت اسلامی چه در زمان رهبر شهید و چه در زمان دبیر کل محبوب و

فرامند فعلی، استاد خلیلی، همیشه در حال جهاد دفاعی بوده است

مردمی که مورد ظلم و تعدی واقع می شوند بر آنها واجب است که به دفاع از خود قیام نمایند

در جلسه روز شنبه ۱۳۷۵/۴/۲۳ شورای مرکزی تحت ریاست استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی، تشکیل جلسه داده، کار کمیسیون برگزاری مراسم هفتمین سالگرد تأسیس حزب وحدت اسلامی را مورد بررسی قرار گرفته و تسهیلات لازم برای مهمانان این مراسم در دستور کار قرار گرفته است.

عصر روز شنبه ۱۳۷۵/۴/۲۳، شورای مرکزی تحت ریاست استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی، تشکیل جلسه داده، کار کمیسیون برگزاری مراسم هفتمین سالگرد تأسیس حزب وحدت اسلامی را مورد بررسی قرار دادند.

ص ۷

مقام رهبری در دیدار با ستر جنرال علی یار و دگر جنرال بهرامی:

حزب وحدت طرفدار جنگ نیست، ولی دفاع را حق مشروع خود میدانند

هر وقت دشمن دست از شرارت بردارد ما دلیل نمی بینیم که به جنگ اصرار کنیم

خبرگزاری وحدت اسلامی، از شهر باستانی بامیان، گزارش می دهد: در این دیدار که جمعی از مسئولین قطعات مسلح اردوی حزب وحدت اسلامی نیز حضور داشتند، جنرال علی یار،

روز شنبه ۱۳۷۵/۴/۲۶ ستر جنرال علی یار، مشاور نظامی مقام رهبری و قوماندان فرقه ۹۷ بامیان و دگر جنرال بهرامی، آمر قطعه کشف ح. و. ا. با مقام رهبری، دیدار و گفتگو نمودند.

ص ۷

انجنیر حکمتیار امیر حزب اسلامی در ملاقات با هیئت رهبری رادیو تلویزیون و ریاست عمومی آژانس باختر گفت:

وسایل ارتباط جمعی باید از نو بنیان گذاری شود و مطابق

روحیه حکومت اسلامی به پیش برده شود

رهبری رادیو تلویزیون، ریاست عمومی آژانس باختر و مدیران مسؤول، تاکید بعمل آورده است که وسایل ارتباط جمعی، باید از نو بنیان گذاری و مطابق روحیه حکومت اسلامی،

یک خبرنگار افغانستان که درخواست نامش افشا شود، به راپورت امروز ما گفت: اخیراً انجنیر حکمتیار امیر حزب اسلامی، با هیئت

دگر جنرال سخی خان، قوماندان قوای توپچی قل اردوی ح. و. ا. با مقام رهبری دیدار کرد

۱. ا. با مقام رهبری دیدار نمود.

خبرگزاری وحدت اسلامی گزارش می

ص ۴

صبح روز دوشنبه هفته گذشته دگر جنرال سخی خان قوماندان قوای توپچی قل اردوی حزب وحدت اسلامی افغانستان در مقر مرکزی ح. و.

هیئت شورای تفاهم و حسن نیت با استاد عرفانی معاون اول شورای مرکزی ح. و. ا. دیدار کردند

روز یکشنبه ۱۳۷۵/۴/۲۴ هیئت شورای تفاهم و حسن نیت با استاد عرفانی معاون اول شورای مرکزی ح. و. ا. در اقامتگاه ایشان دیدار کردند.

ص ۷

در این شماره میخوانید

نظارت عمومی و کنترل...

دیگران ملت می سازند و ما...

ما در قصبه افغانستان...

ص ۴

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

حزب وحدت بسم آگاهانه آرزوها و آرمانهای مردم

مردمی که علیرغم وفاداری تعصب آمیز آن ها به وطن، وطندار به حساب نمی آمدند. صادقترین عسکر اردوی کشور، از جوانان این مردم و بارسنگین دفاع از وطن و تأمین هزینه های دولتی نیز بر گرده این مردم بود. گویا برای همین کار سرشته شده بودند. گمنام و خاموش، آواز شان هرگز از میان کوه های سر به آسمان کشیده و دره های عمیق به بیرون راه نمی جست، همیشه در جنگ های میهنی، شرکت داشتند اما چشم تاریخ از دیدن آن ها نابینا.

مردمی بودند سخت کوش، صادق و وفادار. ازین خصلت های برجسته آن ها همیشه استفاده به عمل می آمد.

آن ها را در سرزمینی رانده بودند که نصف سال را در زندان برف و سرما بسر می بردند و نصف دیگر را در زیر بار سنگین. هر کسی زندانی محیط خود بود. راه ها پر از سنگلاخ و صعب العبور، کوتل ها، فرساینده، جامعه بزرگ و پیکر عظیم بودند، اما تکه تکه و پارچه پارچه! زمینه های خود آگاهی اجتماعی از آن ها سلب شده بود. کسی به کسی نمی رسید و هر یک در دنیای فقر خود نفس می کشیدند. نفسی که بوی عرق خستگی از آن موج می زد. سخن از سیاست و جامعه، در دفترچه زندگی آن ها، الفبایی نمی یافت. حکومت، دستگاه

(ص ۶)

این موضع حزب وحدت است: هر روزی که بیایند تفاهم کنند، روی نفوس انتخابات را بپذیرند و روی نفوس احزاب را سهم بدهند، ما برای پذیرش هر راه حلی آماده هستیم.

(از سخنرانی رهبر شهید در سالگرد قیام سرم حوت)

نظارت عمومی و کنترل های اجتماعی

جامعه ایجاد می کند، بایدی است برای خود شما و بایدی است برای جامعه شما، یعنی هرکاری که از تو سر می زند، ضمناً امری به اجتماع هم است و اینکه تو هم اینگونه باش و اینگونه عمل کن.

از پیامبر اکرم مثال جالب و پر معنی نقل شده است: «یک فرد گناهکار در میان مردم همانند کسی است که با جمعی سوار بر کشتی شود، هنگامی که در وسط دریا قرار گیرد تیری برداشته و به سوراخ کردن نقطه ای که در آن نشسته پردازد. هرگاه به او اعتراض کنند، در پاسخ بگوید: من در سهم خودم تصرف می کنم. اگر دیگران او را از این عمل خطر خیز باز ندارند، طول نمی کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یکباره همگی در دریا غرق می شوند.»

آری حفظ پیوندهای اجتماعی یک ضرورت اجتماعی است. هیچ کس نباید آن را بشکند، موجودیت ارگانیزم جامعه با وجود همین پیوندها ضمانت می گردد. رشد ارزشهای اخلاقی و حاکمیت آن بر روابط اجتماعی از قبیل تقوی، کرامت، شرافت، محبت و دوستی، احسان، عفو و گذشت، بخشش و بخشایش، ایثار و فداکاری، عدالت و... پیوند اجتماعی را استحکام می بخشد، برعکس رزائل اخلاقی و عملکردهای غیر انسانی از قبیل حسد، کینه، دروغ پردازی، غیبت، فحاشی، استهزاء، دزدی، غارت، قتل و... عواملی اند که پیوند های اجتماعی را جریحه دار نموده و نظام جامعه را درهم می ریزد.

با توجه به همین ضرورت حفظ پیوندهای اجتماعی و جلوگیری از جریحه دار شدن آن نهاد «امر به معروف و نهی از منکر» تأسیس

می شود. در ادیان بخصوص اسلام همانگونه که به خودسازی افراد از طریق «تقوی» توصیه و تأکید می شود، به همان میزان افراد انسانی را در قبال جامعه نیز مسئول قرار داده و موظف نموده است که جامعه را از طریق «امر به معروف و نهی از منکر» کنترل نموده با بسط و گسترش حاکمیت ارزشهای متعالی و کمالات انسانی بر روابط اجتماعی و جلوگیری از رشد مفاسد اخلاقی در جامعه، به حفظ وحدت جامعه و استحکام پیوندهای اجتماعی پردازند. نهاد امر به معروف و نهی از منکر یک نهاد اجتماعی است که به اساس آن هر فرد به مراقبت و نظارت اجتماعی موظف شده و هر کدام به

جامعه یک ارگانیزم زنده و فعالی است که افراد آن به حیث عضوی از اعضای این ارگانیزم با همدیگر پیوند ارگانیک دارند. جامعه به مثابه یت پیکر است و افراد آن هرکدام عضوی از اعضای این پیکر. همانگونه که قوت و ضعف، زیبایی و نقص، سلامت و عیب هر عضوی از اعضای پیکر در قوت و ضعف سلامت و عیب کل پیکر، نقش دارد، به همان میزان، کمال و نقص، قوت و ضعف افراد جامعه در سلامتی و عیب قدرت و ضعف کل ارگانیزم جامعه تأثیر خود را می گذارد. زنده بودن و فعال بودن یک ارگانیزم، بستگی به حیات و فعالیت کل ارگانیزم دارد. نقصان یک عضو، فعالیت و سلامت کل ارگانیزم را خدشه دار می کند.

بدون تردید اشخاصی چون فیض محمد کاتب، سیدجمال الدین افغانی، سید اسماعیل بلخی و رهبر شهید استاد مزاری، تک ستاره های بودند که گاه در آسمان تاریک کشور ما درخشیده اند و با طلوع خود تیره گی ها و سیاهی ها را از فضای تاریک و زنگار گرفته جامعه ما زدوده و صفا و روشنی را به ارمغان آورده اند. جامعه مرده و فروخته در ظلمت ها و سیاهی های شب را حیات بخشیده و پایان شب و طلوع روز را نوید داده اند. وجود آنها به تاریخ جامعه، ارزش بخش و زیبایی بخش، افتخار آفرین و عظمت آفرین است. همگی فردی از افراد جامعه اند ولی چه کسی می تواند اثر گذاری و نقش مثبت آنها را در جامعه و تاریخ کتمان نماید.

به همین میزان گاه اشخاص تبهکار، بزهکار، هوسران و افزون طلب در شوره زار جامعه می رویند و چون خفاش شب پرست، در تداوم شب و در اعماق تاریکی ها و سیاهی ها، چنگال و دندان می کشند، به غارت و چپاول می پردازند، تعدی و تجاوز می کنند، به غصب و شکنجه و اسارت دست می زنند...

اینان ننگ بشریت اند سرافکندگی برای تاریخ انسان اند، و عیب و نقص برای جوامع انسانی. بخاطر وجود همین اشخاص است که ملایک هنگام خلقت انسان به نشانه اعتراض فریاد می زنند که ای خالق هستی! موجودی را می آفرینی که به جان همدیگر رحم نمی کنند و از خون همدیگر نمی پرهیزند...

در حقیقت تاریخ ترکیبی از زیبایی ها و نازیباها، کمالات و نقائص، ارزشها و ضد ارزشها می باشد که توسط افراد و شخصیت های متضاد جامعه ساخته شده است. جامعه بستر ویش و زایش ارزشهای اخلاقی و ضد ارزشهاست که بدون تردید کارگزاران اصلی آن اشخاص و افراد جامعه اند، ویژگی ها و شخصیت افراد جامعه در این حالی که متعلق به خود آنهاست، به جامعه نیز ارتباط می گیرد. روابط و پیوند تنگاتنگ اجتماعی باعث می شود که افراد در سرنوشت یکدیگر و جامعه تأثیر گذاشته و مفاسد اخلاقی افراد، ضرر و زیان آنها، تنها در یک نقطه و محدوده خاصی ساکن نماند، بلکه سرایت آن در بخشها و سایر نقاط جامعه امکان پذیر است و مانند آتشی است که اگر جلو آن گرفته نشود در سرایت آن هیچ گونه تردیدی نیست. معاصی و اعمال منفی همانگونه که خود انسان را آلوده کرده، به منجلاط می کشاند جامعه را نیز به سوی آلودگی ها و پرتگاهها سوق می دهد. چنانکه ملکات فاضله و اعمال پاکیزه، همانگونه که به خود انسان نورانیت می بخشد و فرد را از رذائل به سوی فضائل و ارزشهای والا می کشاند، جامعه را نیز به سوی کمالات انسانی و ارزشهای اخلاقی و همبستگی اجتماعی هدایت و رهبری می کند. در واقع مفاسد، رذائل و اعمال ناشایسته غیر انسانی نیز میکروب هایی است که از فرد مریض به جامعه سرایت کرده و در صورت عدم مقابله با آن جامعه را به مرگ و نیستی می کشاند.

سارتر می گوید: «من هرکاری که می کنم ضمناً جامعه خود را به آن کار ملتزم کرده ام» این، یک حقیقت است. و کاری که شما می کنید، کار خوب یا بد جامعه خود را نیز به آن ملتزم کرده اید. خواه ناخواه کار شما موجی به وجود می آورد، تعهدی برای

کنترل همدیگر و نظارت بر اعمال یک دیگر مأموریت داده شده اند. کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت (پیامبر اکرم)، هر فرد از افراد شما مسلمانان، به منزله حافظ، نگهبان و شبان دیگران هستید و تمام شما نسبت به همه تان مسؤول هستید». تعبیر بسیار رسا و بلندی است که بر اساس آن نوعی تعهد، مسؤولیت مشترک میان افراد جامعه برای حفظ و نگهداری جامعه اسلامی بر مبنای تعلیمات اسلامی ایجاد می شود.

عارفان، که خود به فرد گرامی متهم شده اند، با الهامات از تعلیمات دینی، معتقدند که سالکان و راهبان راه حق، چهار سفر و چهار منزل را، در زندگی شان در پیش دارند:

۱- سیری به سوی حق، رفتن به سوی خدا و شتافتن به پیشگاه او.

۲- سیر در خداوند؛ یعنی کشف معارف الهی، در آستان حق بودن و حکمت و معرفت حق را بدست آوردن.

۳- سفر به سوی خلق برای ارشاد و هدایت خلق.

۴- حرکت در پرتو حق در میان خلق؛ یعنی ارشاد و هدایت خلق در جهت حق و در پرتو حق.

به این ترتیب می بینیم که تعلیمات دین، توقف و سکون را در منزل اول و دوم نمی پذیرد، بلکه هراسان همانگونه که موظف است به سوی خدا سفر کند و جان خود و اخلاق خود را در آستان او پالایش دهد و ارزشها و کمالات الهی و معارف او را فرا گیرد.

بایست که با همان کمالات، ارزشها و معارف به سوی خلق و جامعه برگردد و به هدایت و ارشاد آنها پردازد؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر نماید تقوی، یک نهاد شخصی است که به حیث یک پلیس مخفی در باطن انسان، همیشه ناظر انسان بوده و به کنترل اخلاق و اعمال او می پردازد. ولی از آنجا که این نهاد در موجود برخی افراد کم رنگ و ضعیف است نمی توان به نظارت و کنترل از طریق این نهاد اکتفا و اعتماد نمود. بدین لحاظ به یک نهاد دیگری نیازمندیم تا به کنترل اجتماع پردازد. امر به معروف و نهی از منکر یک نهاد اجتماعی است که نقش نظارت خلق بر خلق را ایفا نموده و از این طریق به کنترل اجتماعی می پردازد. هدف از تأسیس این نهاد نیز گسترش تقوا، حاکمیت ارزشهای انسانی بر روابط اجتماعی و زدودن منکرات و رزائل از جامعه و سرانجام استحکام پیوند های اجتماعی می باشد.

کسانی که در این نهاد مأموریت دارند و موظف به انجام این رسالت اجتماعی هستند، تمامی افراد جامعه از رهبر تا زیر دست ترین افراد اجتماع می باشند. هم رهبر به کنترل افراد زیر دست خود تا زیر دست ترین افراد جامعه موظف است و هم پایین ترین طبقات و اقشار اجتماعی به اعمال این رسالت در برابر رهبر و سایر اقشار بالای اجتماعی مسؤولیت دارند. همه باید به نظارت همدیگر پردازند.

(ادامه دارد)

پنهان گشته ظلمت جور، حاکم شده و نور ایمان، در دلها، کم کم به خاموشی گراییده است! بیا! که بر قامت رسای اسلام پوستین وارونه، پوشانده اند! و سیمای نورانی و سبز دین را، چنان نگارگری های گوناگون و نقش بندی های رنگارنگ و سلیقه پردازی های ناهماهنگ و نا موزون و ناشایست کرده و زشت و مضحک جلوه داده اند، که اگر بیایی و بنگری و تماشايش کنی، هرگز بازش نشناسی! و انگشت حیرت، زیر دندان، فروبرده، رخ برتابی و هراسناک و پرشتاب، از برابرش، بگریزی و بر رنج بیست و سه ساله خویش، چون مادر فرزند از دست رفته، سوگووارانه و دردمندانه، به گریستن بنشیني!

بیا و یکبار دیگر، بر بام کعبه برای! اذان قیام، سر ده! فریاد امتی! امتی! بلند کن! ملت اسلام را به خمخانه توحید دعوت کن! مسلمین روی زمین را با هم برادری و اخوت بخش! به اتحاد فرا خوان! و در برابر اجانب ید واحده گردان! بت های روزگار را دوباره بشکن! خرافه ها را، از دامن دین، بزداي! عباي رنگ را، از دوش دجلان دین فروش، برگير! عمامه ریا را از فرق مفتیان مفت و فاجر بردار! دگه های فتوا و افترای شان را، به بند و بنجل و بنچاره رسوای شان را برچین و بسوز! تا دیگر خونی، به ناحق ریخته نشود و یک نسلی با تیغ فتوای دینی، قتل عام، نگردهد! و مخمل سرخ دلّه های خون شان، بر نطف مذهب، متکای آسایش دارندگان دکّه دینی و دکان مذهبی، نشود! بیا و خداوندان زور را تحقیر کن و صاحبان زر را، ذلیل ساز! بند بندگان را، پاره کرده، زنجیر بردگان را، بشکن! حریت را، در جهان حاکمیت بخش! دین را، دریاب! و اسلام عزیز را به فریاد رس!

... در سوگ رحمة للعالمین

در گورستانهای دسته جمعی دفن نموده بلدوزر عقده و خشم و کینه، بر روی شان می راند!

اگر در جاهلیت دیروز، بریدن سر زنان، مایه ننگ و نفرین بود، و شامت و رسوائی بزرگی را، در پی داشت، و هیچ غیرت و حمیتی، این ننگ آفرینی، اجازه نمی داد و هیچ نامردی، دست بدین کار، نمی آلاید، در جاهلیت مدرن امروز، فاشیزم سخیف نژادی قرن بیست، که بعد از هیتلر دوباره، در چهره سفاک و خونخواری چون جهان پهلوان! مسعود، و همدستان کینه توز و قسی القلبیش، تبارز کرده است. از ژرفای ظلمت توحش در کربلاهای غرب کابل، زنان مظلوم و بی پناه هزاره را، در کنار کودکان خرد سال و در برابر چشم طفلان معصوم شان بی رحمانه و سبعانه سر می برد! و چون مرغان حق، بسمل کرده، در خون گرم و گلگون و بی گناه شان، آغشته کرده شهامت شیر پنجشیر! را، این چنین در آیینّه زمان و روایت تاریخ، به غایب گذاشته و به تصویر می کشد!

ای رسول خدا برخیز و بیا که باردیگر، خارهای فتنه، از هرسو، سر کشیده، حلال ها حرام و حرام ها، حلال گشته، معروف ها، منکر و منکرها، معروف گردیده، سرقت و نهب و غارت و تجاوز، امت اسلام و جهانیان را، جان به لب رسانده، بازار اسارت بردن، برده گرفتن و بنده ساختن انسانها، رونق یافته، قرآن مهجور! اسلام غریب! احکام خدا، پایمال! و دین، به بازیچه گرفته شده است! بیا! که ابرهای تیره و متراکم ظلم، بر مردم سایه افکنده، خورشید عدل،

دیگران ملت می سازند و ما قبیله

هنر و موسیقی شعر و ادب، افسانه و اسطوره باید در خدمت قبیله، غرور و افتخارات آن را در مقابل قبایل دیگر، جاری ساخته، کینه ها را به غلیان در آورد، در این سوز و گداز است که فرزندان قبیله پرورنده می شوند. در واقع قبیله در شرایط خصومت آمیز، تبدیل می شود به مهد پرورش کینه ها، نفرت ها، انتقام جویی ها و غرور مهار ناپذیر ماجرا جوانه و جنگ طلبانه. فرهنگ و تربیت نیک باید این عناصر را در ساخت وجودی جوانان قبیله، به ظهور برساند.

مسلماً جامعه با این وضعیت، هرگز فرصت آن را پیدا نمی تواند که در جهت انکشاف و ترقی، گامی به پیش بگذارد، نیروها در حال فرسودن و فرسایش یکدیگر در اصطکاک های احمقانه بصری برند. نتیجه اینکه کاروان بشریت می روند، جامعه قبیله ای، نابینا از گذر کاروان ها، مصروف انتقام جویی، در جا، می ماند.

چه کنیم که ازین شبکه های خاک گرفته و دود زده عصر باستانی، بیرون آمده، خود را با مدنیت عصر کنونی هماهنگ سازیم. تابکی تحقیر عقب ماندگی را مردم کشور ما، با خود حمل نمایند؟ آیا وقت آن نرسیده است که بر این شب های پیوسته، راکد، افسرده و ظلمت زا، فلقی را شکافته، روزه ای بسوی فردا بگشاییم؟

اگر بخواهیم، راه روشنی بسوی آینده باز کنیم، باید از سالهای تپه و عقیم، قرن های راکد و تاریک که جز بوی گند خصومت هیچ ارمغانی ندارد، فاصله بگیریم. از نو بیافرینیم و آن روح سیاهی که آرمان های موروثی سنتی را، در مغز ما می دمد، در گورستان تاریخ دفن نماییم.

اما افسوس که رهبران ما هنوز فرزندان قبیله هستند و تمام آرمان شان قبیله سازی. گرچه اسلام بعنوان روپوشی اعمال سیاسی کلیه رهبران، مورد استفاده قرار می گیرد اما هر یک از درجه خاص قبیله مربوطه خود به آن نگاه می کند. بدین جهت بسیار به آسانی یکدیگر را متهم به یاغی بودن و خروج از دین نموده، مهدورالدم اعلام می نمایند. کافیت رهبری اندکی قدرت بدست آورد و یا عنوان کشوری و حکومتی، کسب نماید. آنگاه کوچکترین حرکت مخالف، ارتداد و یاغیگری خوانده شده، بر علیه آن اعلام جهاد نماید.

اسلام قبیله، اسلام انعطاف ناپذیر، تنگ و متهم کننده می باشد. به همان تنگی و انعطاف ناپذیری دیدگاه های قبیله ای که هر گونه تردید و تشکیک را دشمنی و خصومت، نشانه گذاری می نماید.

به همان صورتی که غرور قبیله ای هر گونه عمل را در روابط خارجی قبیله، توجیه می نماید و هیچ چیزی مانع ازین نمی شود که کردار زشتی در جهت حفظ غرور قبیله بکار گرفته شود، در عمل اکثر رهبران سیاسی نیز منافع سمتی و گروهی با زیر بنای گرایش های قبیله ای، هر گونه عمل را توجیه نموده، مقوله اعتبار سیاسی و اجتماعی، هرگز نمی تواند مانع عمل غیر اخلاقی و حتی غیر انسانی شود. گرایش های خشن قبیلوی به آسانی این اعمال را تجویز و قابل پذیرش می نماید.

بر همین اساس هیچ باکی نیست که امروز علیه جریانی اعلام جهاد شود و در فردای آن دست برادری بسوی او دراز گردد و یا کسی مهدورالدم خوانده شود و پس از آن با بهترین القاب ستایش گردد.

شکستن تعهد، دورویی، نفاق اندازی اگر در خدمت منافع سمت و گروه و یا قبیله باشد، هیچ باکی ندارد. غدر و فریب بهترین تاکتیک در عمل سیاسی تصور می گردد. تمام این ها یعنی مشی بر اساس قبیله گرایی. اگر چنین است که بیان گردید باید اذعان نماییم که ما در فکر قبیله سازی هستیم و دیگران در فکر ساختن ملت. این است که با دست خود تیشه به ریشه ملت خود می زنیم. اولین گام، آغاز باور ملی است که همه باید به آن ایمان بیاوریم و بر اساس آن مشی نماییم.

قایید شهید، مزاری بزرگ اولین گام را با طرح برادری ملیت ها برداشت. در راستای همین باور شورای عالی هماهنگی را بنیاد نهاد. گام دیگر بر پایی عدالت سیاسی بود که خون پاکش در طریق آن ریخت و راهش را بعنوان میراث سرخ برجای نهاد و خود به ثار الله پیوست و جاودانه تاریخ شد.

سیستم تعلیم و تربیه، مواد تعلیمی و فضای آموزشی همه تحمیلی، فاقد روحیه ملی و تبعیض آمیز. در سیستم تعلیم و تربیه که باید همه آحاد مردم، خود را در آن ببینند و همچون آب گوارایی در حال عطش آن را سرکشند همه سنگین بار، از افتخارات قبیله ای و خود خواهی های خانوادگی که به اجبار قالب کرده بودند و باید تکرار می شد.

در خدمت زیر پرچم که باید جوانان غیرتقد وطن از افتخارات و غرور وفاداری وطن لبریز می شدند و از خاطرات آن بعنوان یک عمل مقدس و وطن پرستانه چشمه ای از غرور و ویراندگی می جوشید، بوی گند احساس نوکری و مزدوری دودمانی، از آن فضا را سنگین و احساسات را پژمرده می ساخت.

در یک چنین شرایطی نظام اقتصادی فئودالی و نیمه فئودالی با کارکرد معیوب خود، مردم کشور ما را در وضعیتی قرار داد که گویا آن هالادر میخ های دوره حجر محکم بسته باشند هرچه عرق می ریزند شکم شان سیرغی شود. در نتیجه کاروان ها رفتند و ما هنوز پاره سنگی کنار جاده ایم.

ما میراث دار یک چنین نظامی هستیم که نتیجه طبیعی آن شمشیر کشیدن علیه همدیگر است.

در کشور ما، حاکمیت سیاسی میراث قبیله است، سنت حاکمیت قبیلوی، جنگ قبیلوی را به وجود می آورد. این جنگ پایان نمی پذیرد اگر هم به ظاهر آرامش بر جامعه برقرار می شود، نه بمعنی پایان جنگ که به مخفیگاه رفتن جنگ به مثابه آتش زیر خاکستر است. در جامعه قبیلوی، جنگ با تفاهم قبیله پایان نمی پذیرد. و چنین تلقی از پایان جنگ کمتر در ذهن ها، رویش می کند در جنگ قبیله ای، تمکین و تسلیم قبیله، جستجو می شود، وقتی قبیله ای مغلوب، می گردد به سکوت خشم آلودی وادار می

امروز چرا حفره های آتش در جای جای کشور ما فواره می کشد، نفاق های اجتماعی به انواع مختلف دهان باز کرده فرزندان وطن ما را می بلعد و هم احساسات مشترک و پیوندهای ملی را خاکستر می نماید؟ ریشه همه مصیبت ها را باید در سیاست کج دار و تبعیض آلود حاکمیت های سیای گذشته کشور خود جستجو نماییم. حاکمیت های فاقد استراتژی ملی که بر پایه گرایش های قبیله ای، انگیزش و پذیرش قبیله، استوار بوده، تمام همت و وظیفه آن را تأمین رضایت قبیله حاکم و تحمیل قبایل دیگر تشکیل می داده.

شود، قبیله مغلوب دشمنی پنهان را، نسل به نسل به میراث می گذارد، ممکن است یک نسل در زیر خاک دفن شوند اما دشمنی همچنان دود آلود و خشنک باقی بماند.

در یک چنین فضای اجتماعی روابط آکنده از کینه و نفرت، نیروها در حال آماده باش و غرق در اندیشه جنگی و خصومت، غرور قبیله ایجاب می کند که هر روز در رگهای فرزندان قبیله، خصومت های کهنه و کینه های انباشته چندین قرن، دمیده شود.

جامعه قبیله ای هرگز یک جامعه ملی نیست، در جامعه ملی، روح جمعی، تمام زوایای درون مرزی را لبریز نموده، کوچکترین حفره ای برای احساسات منافی خود، بر جای نمی گذارد. مهمتر از همه در جامعه ملی، همه تأسیسات و نهاد ها، بر ارزش ها و گرایش های ملی استوار است و ساختار سیاسی جوشیده از روح جمعی ملی و بعنوان پاسبان این روح بزرگ، به اجرای مکلفیت های خود می پردازد.

جامعه ملی وقتی نقش سیاسی خود را به عهده می گیرد، باید ساختار سیاسی آن نماینده روح جمعی باشد، در غیر این صورت نه این ساختار می تواند، بصورت استوار در صحنه بین المللی ظاهر شده، اعتبار بین المللی کسب نماید و نه در امور داخلی از جریان کینه ورزی ها و خصومت ها، فراغت یافته نقش سازنده در پیش می گیرد.

جامعه ملی یک پیکر هماهنگ است که تمام اعضای ارگانیک آن در تلاش زندگی، شریک اند. سیاست در این جامعه نقش هماهنگ کننده این ارگانیزم عظیم را دارد. این پیکر عظیم به پیش می رود، خود را می سازد، از خود دفاع می کند، رابطه برقرار می کند، در نظم روابط بین المللی تأثیر می گذارد و شخصیت با اعتبار خود را تثبیت می نماید.

درست است که ملت یک پدیده تاریخی است، در جریان زمان و گذر از گردنه های حوادث، متراکم شدن خاطرات مشترک، تعمیم سرنوشت مشترک و حماسه ها و اسطوره های مشترک، ساخته و پرداخته می شود اما نقش ساختار سیاسی را که نمای بیرونی، نماینده روح جمعی و قدرت عمومی می باشد، نباید در تخریب یا تکمیل این پیکره عظیم نادیده انگاشت.

امروز نقش ساختار سیاسی آنقدر تعمیم یافته است که وارد کوچکترین واحد اجتماعی یعنی خانواده چند نفری هم گردیده است، بچه وقتی چشم باز می کند با تأثیرات سیاست روبرو می شود، نظم و اقدامات سیاسی زندگی خصوصی افراد و خانواده را متأثر ساخته، حتی مستقیماً روی نوزاد انسان هم تأثیر می گذارد. وقتی بچه پا به سن هفت سالگی می گذارد از آغوش خانواده به دامن ساختار سیاسی افکنده می شود. این ساختار سیاسی است که مشخص می کند این بچه چگونه ساخته شود چه احساساتی در زمینه ذهن خالی او کاشته شود، چه ارزشهای در وجود او رشد نموده شاخ و برگ بزند، انگیزه ها و تمایلات او بر کدام سمت جهت داده شود، او فرزند قبیله باشد یا فرزند ملت؟ همه این فاکتورها در انحصار حاکمیت سیاسی است.

وقتی در یک کشور برخلاف مصالح و ضرورت های وحدت ملی که تقویه روح جمعی را ایجاب می نماید، انگیزه های گریز اجتماعی از همدیگر، رشد می کند احساس همبستگی رو به ضعف می رود، باید علت اصلی آن را در ساختار سیاسی کشور جستجو نمود. اگر ما ساختار های سیاسی گذشته کشور خود را، ضد ملی می دانیم بخاطر میراث سیاسی است که امروز جامعه ملی ما گرفتار آن شده است.

امروز چرا حفره های آتش در جای جای کشور ما فواره می کشد، نفاق های اجتماعی به انواع مختلف دهان باز کرده فرزندان وطن ما را می بلعد و هم احساسات مشترک و پیوندهای ملی را خاکستر می نماید؟ ریشه همه مصیبت ها را باید در سیاست کج دار و تبعیض آلود حاکمیت های سیای گذشته کشور خود جستجو نماییم. حاکمیت های فاقد استراتژی ملی که بر پایه گرایش های قبیله ای، انگیزش و پذیرش قبیله، استوار بوده، تمام همت و وظیفه آن را تأمین رضایت قبیله حاکم و تحمیل قبایل دیگر تشکیل می داده.

برقراری آرامش از طریق زور و سر نیزه نه رضایتمندی و وفاداری داوطلبانه و متعهدانه افراد ملت، نفرت و انزجار عمومی را در زیر خاکستر برده، کشور را آستان آتش فشانی نموده که امروز مردم ما در آن می سوزند.

سردار آصف :

ما در قضیه افغانستان بی طرف شده ایم

مصاحبه اختصاصی سردار آصف احمد علی وزیر خارجه پاکستان با روزنامه The Nation

این مصاحبه که توسط نسیم زهرا انجام یافته و در سه شماره روزنامه The Nation در تاریخ ۲۴، ۲۵، ۲۶ جون به چاپ رسیده است، قسمت اول این مصاحبه، به دسترس خوانندگان عزیز هفته نامه (امروز ما) قرار می گیرد:

روزنامه Nation:

چندین سال در گیر بودن عمیق در افغانستان، نفوذ مشکلات افغانستان در سرزمین پاکستان، انفجارهای بمب، تغییر ترکیب نژادی در بلوچستان و صوبه سرحد (افزایش تعداد مهاجرین از مردم محلی) ازدیاد تجارت مواد مرگ آور مخدر، بازی کردن بازی خطرناک، بحیث دولت خط مقدم که در نتیجه آن به ارزش بیلیون ها دالر، اسلحه و مواد کمی از طریق پاکستان عبور نموده، بازی نمودن قمار غربی ها به قیمت مرگ آور.

تبدیل سرزمین پاکستان به جایگاهی برای جنگ آوران آزادی. این ها سیاست های جهانی پاکستان است در مورد افغانستان. مابداً، به جای خوب انتخاب کردیم. ما در گیر شدن خود را از شروع دهه ۷۰ آغاز کردیم که این بایشنها معروف نصیرالله بابر در مورد پالیسی افغانستان بود که داودخان که به قضیه پشتونستان دامن میزد و برای پاکستان مشکل آفرین بود، درسی داده شده، که بر خلاف آن واقع شد.

تهاجم سال ۱۹۷۹ شوروی به افغانستان، پاکستان را وادار به در گیر شدن نا محدود در افغانستان نمود که تا کنون ادامه دارد. بهای پالیسی غیر عاقلانه، در گیر شدن نا محدود، برای پاکستان بسیار گزاف و چندبعدی بوده است. باوجود آن تعجب آور این است که ما بخاطر نقش مان در افغانستان، بیشتر از اینکه مورد ستایش قرار گیریم، سرزنش میشویم. بخصوص در جریان سال گذشته، انتقاد های همزمان از طرف کشور های همسایه، از طرف افغان ها، از طرف افغانهاییکه از لحاظ سیاسی، دارای وجهه عالی اند و از طرف مفسرین پاکستانی، اوج گرفته است.

با وجودی که هدف این انتقاد ها از سیاست پاکستان، بطورمجموعی در طی چندین سال بوده است، روزنامه Nation طی يك مصاحبه اختصاصی از وزیر خارجه فعلی پاکستان خواست تا به بعضی از سوالاتیکه در مورد سیاست های فعلی اسلام آباد، در مورد افغانستان مطرح است جواب دهند:

- در مورد انتقادات ربانی در مورد دخالت پاکستان در امور داخلی افغانستان؟

- سردار آصف: این خود آقای ربانی بود که به پاکستان آمد و از ما خواست تا از آقای مجددی بخواهیم که بعد از تکمیل دوره زمامداری اش که طبق قرار داد پشاور معین شده بود، استعفا بدهد. ما هیتی را فرستادیم تا از آقای مجددی تقاضا کنند که استعفا بدهد. مجددی استعفا داد. وقتی آقای ربانی زمام امور را بعنوان رئیس جمهور بدست گرفت، او در یافت که حکومت وی به اندازه کافی وسیع نیست. لذا وی تلاش نمود تا دیگران را نیز داخل حکومت نماید. وی در یافته بود که بعضی از رهبران بزرگ را خارج از پروسه نگه داشته اند. وی فهمید، حکومت مناسب و صلح در افغانستان نخواهد بود، مگر آنکه این رهبران را داخل پروسه سازد. بنابر این، با اصرار وی، پاکستان جلسه اسلام آباد را دایر نمود که در این جلسه، ربانی قبول نمود که صدارت را به آقای حکمتیار بسپارد. وقتی این تصمیم مجدد صورت گرفت ربانی از اجرای آن امتناع ورزید. وی نگذاشت حکمتیار پست صدارت را بدست بگیرد. اینجا باید پرسید اشتباه در کجا بود؟ اشتباه در این بود در صورتیکه يك حل سیاسی توسط پاکستان بوجود آمده بود، ربانی قادر نبود که میکانیزمی برای اجرای آن داشته باشد. بعضی از میکانیزم های موجود مثل میکانیزم وسیع ساختن حکومت ربانی از طریق برگزاری يك شورایی که تمام افغانها در آن سهم داشته باشند، بود، ولی وی شورایی را که تعداد از افغانها در آن سهم بودند، برگزار نمود. منظور شورای اهل حل و عقد است. در این شورای وی تنها افراد مورد نظر خویش را دعوت نمود. ولی رهبران دیگر افغان را دعوت نکرد. میکانیزم دیگر، تشکیل يك کمیسیون بود که مسایل دوره، انتقال، امنیت و مطالب دیگر را رسیدگی می کرد. این کمیسیون ها تشکیل شد و یکی دوبار

از تمام افغانستان دعوت نامه، دریافت نمودند. از چهارده ولایتی را که آنها گرفتند تنها دو یا سه ولایت آن با جنگ بود. ولایات آنها را دعوت نمودند. یکی از دلایلی که ولایات از طالبان دعوت نمودند، این بود که آنها صلح آوردند. آنها در ساحه شان صلح کامل آوردند. آنها مردم را خلع سلاح نمودند. موانع را از راه ها برداشتند. تجارت آزاد را، در بین مناطق مختلف و حتی با ایران و پاکستان، اجازه دادند. نکات متعدد مثبت در آن ها وجود دارد.

- به ارتباط تبلیغات بد در مورد طالبان؟

- سردار آصف: چیزی که، منفی تلقی شده، در مورد موضع مفکوری آنان است. چیزی که آنها بدان سخت پایبند اند. مفکوره قوانین شریعت است. ضدیت با زنان، ضدیت با تعلیم و تربیه و در مورد مجازاتها و چیزی که آنها قوانین اسلام تصور می کنند. بنا بر این دو فکتور است که مشکل ایجاد کرده است: یکی فکتور ایرانی ها است که آنها طالبان را تهدید فکر می کنند و دوم نگرانی جهان، بخصوص در شرق میانه و غرب که در مورد نظامی گری اسلامی است. این ها بصورت مردمی تصور می شوند که ثبات کلی منطقه را بهم می زنند و این می تواند، هسته يك اسلام نظامی گرا، در کل جهان شود. این زمینه است که باید تمام چیز ها را باید در آن دید. این بسیار آسان است که بدین لحاظ، کسی را ملامت نمایند و ما در این مورد، بخاطر کاری قربانی شده ایم که انجام نداده ایم. از مامورین آمریکائی تقاضا کرده ایم و از ایرانی ها مکرراً تقاضا کرده ایم که لطفاً بگویند ما در کجا مداخله کرده ایم؟ آیا مسعود که با آنها (طالبان) می جنگد بغیر از اینکه دو جوان را آورده و می گوید آنها از پاکستان آمده، شاهد و یا سندی دارد؟

- به ارتباط تصور ایران در مورد حمایت پاکستان از طالبان؟

- سردار آصف: متأسفانه تصویری رواج پیدا کرده که پاکستان در عقب طالبان است. من مخصوصاً بدین لحاظ، به ایران رفتم که برای آنها همه چیز را تشریح کنم. من آنجا رفتم که به آنها بگویم، لطفاً کمیسیون را بفرستید، ما با طالبان صحبت خواهیم نمود که طالبان به کمیسیون اجازه دهد، کمیسیون باید تمام افغانستان، خصوصاً به ساحه طالبان برود و آنها شواهدی را مشخص نمایند که پول از ساحه خلیج می آید، طرقی که این پول ها توسط ترانزیت مواد از طریق افغانستان به پاکستان بدست می آید، نیز مشخص شود.

- در گیر بودن روس ها در افغانستان؟

- سردار آصف: يك خلاء سیاسی وجود داشت. مسعود در مواردی به روسها و هندی ها نزدیک شد. به خاطری که يك خلاء وجود داشت. بخاطری که ما خود را از صحنه بیرون کشیده بودیم. يك فرصتی بود که هندیها بسیار آن را راحت و مناسب یافتند، بخاطر دلتلی که خود شان داشتند و روس ها بخاطر بازگشت دوباره به افغانستان و همچنین اجبارهای آسیای مرکزی از آن سود بردند. لذا پل هوایی بین هند، روسیه و کابل ایجاد شد. يك دلیل دیگر، نا آرامی تاجکستان بود، و شاید روس ها فکر می کردند بخاطر جنگ در تاجکستان هم منافعی در افغانستان دارند؛ چون آنها منبع جنگ تاجکستان را در افغانستان فکر می کردند. حال که چنین واقع شده، این برای مسعود راحت است که پاکستان را برای هرچیز ملامت کنند. مسعود بدین صورت در ملامت کردن پاکستانی ها، پیش رفته است. بدین ترتیب وی آشکارا توجه هندی ها و شاید هم روس ها را جلب کرده است. روس ها گاهگاهی تبلیغات زهر آگین دارند و اگر چیزی در روسیه اتفاق بیفتد، پاکستان را ملامت می نمایند و این يك عادت سابقه روس ها است که عکس العمل آتی دارند ■

دگر جنرال سخی خان ...

دهد: دگر جنرال سخی خان در این دیدار گزارش مفصلی از وضعیت نظامی جبهه ها، ارائه داده، احضارات محاروبی و روحیه عالی جزو تآمهای اردوی مسلح حزب وحدت اسلامی، مخصوصاً قوای توپچی را به مقام رهبری اطمینان داد.

در این دیدار همچنین، دگر جنرال سخی خان، پیرامون اوضاع نظامی کل کشور، توضیح داده، آماده گی قوای مسلح را برای دفاع از دست آورد های حزب و حیثیت مردم، اعلام نمود، سپس استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی، ضمن تشکر از فرزندان صدیق مردم و حزب و شخص جنرال سخی خان که با تمام قوا در کنار مردم و حزب شان، قرار دارند، هدایت های لازم را ارائه فرمودند.

در سوخت

رحمة العالمین

ادب

شعر و

میروی و عشق میگردد یتیم

ای رسول حق امین تاجدار
ای نبی نامی پروردگار
نبض گرم قلب بی تاب زمان
پیشوای امت آخر زمان
سرور خوبان، امام انبیا
احمد مرسل تمام انبیا

نور پاک آفتاب و آینه
روح آب و گلگلاب و آینه
چلچراغ محفل جمع رسل
ماه بدر کامل جمع رسل
بلبل شوریده شیدای عشق
شمعدار راه پر غوغای عشق
عندلیب عاشق آینه باز
نغمه پرداز خوش آدینه ساز
مهر سبز خاتمیت را نگین
افتخار اولین و آخرین
سرمد پیغمبرستان خدا
سرو ناز دلبرستان خدا
راز دار محرم روح الامین
فیض دایم رحمته للعالمین
چشم مست شوخ و بیمار حرا
دیده غماز و بیدار حرا
نازنین یار وفادار حرا
شب نشین، دردانه دلدار حرا
قلب خون افشان و تیدار حجاز
جان جانان و جهاندار حجاز
محور این گنبد نیلوفری
شوکت خورشید و ماه و مشتری
شاهد بزم شب معراج نور
لایق اجلال تخت و تاج نور

نک بسوی «یار اعلی» می روی
همچو مجنون سوی لیلی می روی
می روی و عشق می گردد یتیم
در گلی صبح می سوزد نسیم
می روی و زهره می میرد زغم
مشتری خم می شود، از درد، خم
می روی و ناله می روید ز خاک
چشمه چشمه، شعله می جوشد ز خاک
می روی وز اختران خون می چکد
اخگر از چشمان گردون می چکد
می روی و اشک می طوفد به باغ
بلبلان عشق می کوچد ز باغ
می روی و می شود محشر بیا
میشود عالم سیه پوش از عزا

آه ای خورشید لولاک زمین
«آب حیوان رگ تاک» زمین
رفتی و از رفتنت تنزیل سوخت
بال وحی و شهپر جبریل سوخت
گلشن دین شد ز داغت بی قرار
گشت باغ سبز قرآن، بی هزار

آه ای رحمة للعالمین! امام انبیا! نبی نور و نوازش، افتخار اولین
و آخرین! ای پیام آور پاکی ها و پارسائیها، سفیر سر فراز خدا،
رسول راستین! ای بشیر نعمت و نذیر نعمت حق، ستوده امین و
شفیع مذنبین! ای مصطفای خوش سیمای عشق! خورشید لولاک! ای
پاک و نورانی ترین! ای شمع جمع انبیا، اشرف اولاد آدم، خاتم
مرسلین! ای سرخ ترین سرود هستی، سبز ترین شعر آفرینش!
شکوفاترین سرخگل خلقت! ای از همه زیباترین!

آنگاه که از مضیق زمین، به عرش برین، پرکشیدی! و در «لیلة
الاسرای اوتحال، «ررف» روح را، تا سدره المنتهای وصال، عروج
بخشیدی، زمین و زمان را، از فیض روح قدسی خویش، بی نصیب
گذاشتی! و لا مکانها را، از جلوه سبز حضورت، عطراگین و
عنبرین ساختی! خورشید «وحی» برای همیشه از آسمان دنیا،
غروب کرد و «جبریل امین» برای ابد، زمین را، از هبوط سبز
خویش، محروم گذاشت!

آنگاه که از حضيض خاک به اوج افلاک جان بردی و «براق»
چالاکمی، تاهور قلبای جاودانگی، جولان دادی، و به «رفیق اعلی»
پیوستی! بشریت، بی پناه شد! جان از وجود جهان رفت! رابط و
پیوند زمین و آسمان، تا قیامت قطع گشت! و آفتاب آتش گرفت،
آب شد، و قطره قطره بر دامن کهکشان، چکید!

و آنگاه که ازین جهان سفلی، به عالم علوی، رخشان و
نورافشان رخت بردی و جنت الماوی همیشگی همنشینی جانان را،
از رایحه دلنشین بهار سبز وجودت، غالیه افشان و خورشید باران،
کردی! زمین غمگین و حزین و سیاهپوش شد و شکوفه ها در سوگ
بهار، پرده، پرده، خون، گریستند!

آنگاه که رفتی، غبار غربت و یتیمی، بر رخسار جهان نشست،
خورشید، با هزار چشم، آتشین اشکهای غم، فروبارید، مهتاب، در
تنهایی غریب شبانه اش، شب تا سحر، کهکشانش را، کوچه به
کوچه، گشت و مرثیه، فراقت را بگوش هفت آسمان، نوحه خواند و
با هفت زمین، بگریست، نشست! ستاره ها همگی در سیر خویش،
گمگشته و سرگردان ماندند، بی نور گشتند و آتش گرفته، سوختند!
آنگاه که رفتی، هرچه باغ و بوستان بود، رنگ خزان، به خود
گرفتد و برگ و بارشانرا، نثار کردند! هرچه گلهای، در جهان بود،
رنگ از رخ باختند و سرخترین برگهای شان را، پرشور و شتاب، در
سوگ تو، بهار آفرین گل بهار جهان، فرو ریختند! و عطر و بوی
دلایز و روح انگیز شان را، بر روان پاک و پرنورت، هدیه
فرستادند!

آنگاه که رفتی، عالم هستی، عزادار شد و عشق، در آتش
اشکهای گداخته یتیمانه اش، پروانه وار، سوخت! کالبد زمان، از
شمیم نفس مسیحانی ات، تهی گشت و نبض بی تاب زمین، از
حرکت، بازماند! جانهای عاشق و دلهای مشتاق، در فراقت مشتمل
گشت و قلب پویا و پرتلاش تاریخ، از جوشش و طیش افتاد!

آنگاه که رفتی از رفتنت، اسلام، بی پدرگشت، بهار گل آیین
قرآن، خالی از خروش بلبل ماند و مسلمین بی پیشوا و پیامبر
ورهر! رفتی و از رفتنت، مسجد الحرام، ماتم گرفت، مسجد
الاقصی، به سوگ نشست، مسجد قبا، سنگ به سنگ، خشت به
خشت و ستون به ستونش، سراسر، خانه گشت، اصحاب بی مصاحب
تو، دریا، دریا، اشک غم، ریختند و از دیده بردامان زنده و ژولیده
شان، موج دادند! رفتی و از رفتنت، مکه یتیم شد، مدینه بی پدر
گشت و بیت الاحزان در پای اشک طلاطم داد و هرچه جنس طرب
بود، به آب سپرد! بقیع، و جب به وجب، خاکش برای ابد تجلیگاه
مظلومیت ها، زایشگاه، دردها، و خیزشگاه سؤالهای تکرار اندر
تکرار، تلخ، سوزناک و بی پاسخ زمان، و بارشگاه اشک های سیل
آسای انسانیت مظلوم و عدالت خواه، برپای مزار گم گشته، سرباز
گمنام و شهید بی مزار راه حق و عدالت و انصاف تاریخ، گشت!
رفتی و از رفتنت، امت بی امام ماند، خلافت، رفته رفته،
«ریشه از قرآن گسیخت!» و به سلطنت، تبدیل شد! مسلمانها، در

دوردست های گمنامی، رانده شدند، ابوذرها، در ریزه های
سوزناک تنهایی تبعید گشتند، بلال ها، لب از اذان فروسته،
غریبان، راه دیگر بلادها را، پیش گرفته، رفتند و عمارها، در
آخرین روزهای عمرشان، با شمشیر فته، باغیه تکه تکه شده و به
شهادت رسیدند! خون و ناموس و مال مسلمانان بر مجاهدان
اسلام!! و شمشیر داران خلافت!! حلال گشت!! مرتدین رانده شده،
از دامان اسلام، دوباره، با شکوه و اقتدار تمام، برگشت داده شده،
بر مردم تسلط داده شدند!! ژنده پوشهای صفت نشین صف شکن
آسمان جل زمین پلاس، که از لیف خرما، کفش و کمر بند و کلاه
داشتند، یکایک چون بلبلان خزان دیده، از آشیانه شان، رفتند!
جای شان را، کعب الاحبارهای کینه توز یهود!! و حریر پوشان می
گسار و شهوت ران بنی امیه، پر کرده، بر فرش های ابریشمین و
بالش های زرین، تکیه زده، لمبند و ورقهای قرآن را، صافی در
شراب و نشانه تیر کینه و عناد ساختند!! بازار جعل و فتوی و
افترا و تهمت و تکفیر، گرم گشت، گرگها، لباس میش ها را
پوشیدند، شرک در شعار توحید، عرض اندام کرد و کفر، در
پوشش اسلام، به جان اسلام، افتاد! دشمنان قسم خورده و دیرینه،
دین و مذهب، عمامه و عبای دین، پوشیدند و ریش مذهب، به
خود بستند و موریانه وار، از درون، بجان دین و مذهب افتادند و
پیکره توحید را، پاره پاره، کردند، امت واحده اسلامی را، به
نفع یهود جحود، پارچه پارچه، ساختند! خانه خدا را، ویزان
نموده، به قتل عام مسلمانان، پرداختند و خوبان و زیدگان و
دانشمندان و مؤمنان پیشاهنگ و پاکباخته، ملت اسلام را، از دم
تیغ گذرانده، زمین را از خون سرخ شان سیراب و رنگین و گلگون
کردند!

و اینک، ای رسول گرامی خدا! باردیگر بر خیز! سر از خاک
تیره، حجاز بردار! و یک بعثت دیگر، از نو آغاز کن!! برخیز که
جهان امروز، به جهالت و بربریت چهارده قرن، پیش برگشته،
فرعون ها و قارون ها، سامری ها و بلعم ها، فرودها و شداد ها،
ابوسفیان ها و ابوجهل ها، همه و همه از نو زنده شده، در قرن
بیست، جاهلیت مدرن، ایجاد کرده به جان جهانیان، افتاده و به
نبرد مظلومان شتافته اند!

برخیز که حجاز، مطلع آفتاب وحی، تجلیگاه خورشید دین و
زادگاه اسلام، اینک اردوگاه کفر، گشته، مکه و مدینه، در زیر
چکمه های شرک والحاد و استکبار زمان، بغض در گلو دارند! و
شعله ها در دل و دردها، در درون و ناگفته ها، بر زبان!

فلسطین و لبنان، سالهاست که در مسلخ معامله تاریخ، در
اشغال صهیونیزم یهود، میسوزد و مسجد الاقصی، امت اسلام
را، از اقصی نقاط عالم، به یاری و دادخواهی، می طلبد، کشمیر
مظلوم و گمنام، چچن اسطوره و مسلمان و... همه و همه در آتش
تجاوز و جبر و جنایت و قساوت کفر والحاد جهانی، میسوزند و
همواره با اشک و آتش و مرگ و شهادت، دست و پنجه، نرم کرده
در شط خون، غوطه می خورند!

برخیز! که افغانستان! زخم خون افشان پیکره اسلام، جسم
پاره پاره و چاک چاک زمین و تراژدی خونین و غمگین زمان!
سالهاست که جز خون واشک و ماتم و گلوله و آهن و مرگ برای
مردم گرسنه و پا برهنه و بی پناهش، ارغمان دیگری نداشته است!
اژدهای انحصارگری و قدرت طلبی، جهنمی از دود و آتش و خون
و کشتار به وجود آورده، برای بلعیدن انسانها، دهن گشوده و به
ویرانگری و آدم خواری پرداخته است!

برخیز! که فاشیزم نژادی قرن بیستم، درین سرزمین آتش و
خون، دست جاهلیت دیروز قرن پنجم پیش از اسلام را، از پشت
بسته است و قساوت و سنگدلی جاهلیت متعصب و مدرن امروز،
با فتوای مذهب و پشتوانه دین، نه تنها دختران معصوم و زنان
مظلوم را، زنده، زیر خاک مدفون میسازد، که به قتل عام یک
نسل، کمر می بندد! و هار گشته، خونش را نیز سر می کشد!! و
کشتار همگانی و نسل زدائی پیشه کرده، اجساد شانرا

حزب وحدت تجسم آگاهانه...

ظالمی بود که در هر جای که عبور می کرد، سوغاتی از شر و ستم با خود به همراه می برد. افراد حکومتی بلایی بود که از آن بخدای خود پناه می بردند. سخت متدین و پاینده اعتقادات خود بودند. از عدالت علی و دومین اصل از اصول دین «عدالت» بسیار در گوش آن ها خوانده بودند، اما حکومت هرگز پاینده این اصل نبود و بنام ظالم خوانده می شد. از سیاست و حکومت همین مقدار سهم به آنها رسیده بود. همین رابطه متناقض اعتقادات آن ها با موجودیت حکومت وقت، آستان عصبانی بود که به بهانه جرقه ای، آماده فواره بودند. چه اینکه این اصل اعتقادی «عدالت» با نام علی همیشه در رگهای آن ها، جاری بود. با تمام فقر و تنگدستی بی که داشتند، حاضر بودند که در پای اعتقاد خود، خود را قربانی نمایند. با تکیه به همین اصل اعتقادی است که این مردم علیرغم غیبت شان در تاریخ، در هر جنگ میهنی حضور دارند. با انگیزش همین اصل، حماسی ترین گراف جهاد را علیه اشغالگران روسی، این مردم در تاریخ جهاد، رقم می زنند. به استواری کوه، از میان کوه ها و دره ها برمی خیزند، پایگاه های حکومتی را که هیچ وقت از ستم شان در امان نبودند در نیم روز اول جهاد، نابود می کنند.

اینان نه برای آن که امتیازی را از دست شان روده باشند، جهاد را آغاز کردند که هیچگونه امتیازی برای آن ها، متصور نبود. مردمی بودند که از ظلم و تجاوز، خاطره تلخ داشتند و برای برپایی عدالت، با مظاهر ضد عدالت، به جهاد پرداختند. از آنجایی که جهاد آن ها خالصانه بود، بر اساس وعده خدشه ناپذیر الهی «والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سُبُلنا» موجب هدایت بیشتر و خود آگاهی اجتماعی گردید. هسته های مقاومت، پایگاه های مقاومت را بوجود آوردند. لژین پایگاه ها جریان های سیاسی و جهادی، متولد گردیدند. پیشاهنگان آگاهی، شیار آگاهی را ازین پایگاه ها، به عمیق ترین دره ها و آسمان سای ترین کوه ها بردند و این تارهای آگاهی، این پیکر عظیم از هم گسیخته را، بهم پیوند داد.

جریان جهاد، شتابنده و طوفنده به پیش می رفت و در هر جوششی، موجی از آگاهی را در رگهای جامعه، جاری می ساخت، فرایند تکامل تاریخی، از تفرق به تمرکز سیر کرده، جریان های کوچک را بسوی دریای بزرگتر، هدایت نمود. خود آگاهی اجتماعی، آستان جریان نیرومندی گردید که از دل سنگرها، جوشید و بنام حزب وحدت اسلامی افغانستان شکل پذیرفت. حزب وحدت اسلامی، جریان جوشیده از متن سنگرها و وجدان آگاهانه اجتماعی است که از سبزه آرزوهای بلند يك جامعه محروم، در آن تجسم یافته و می رود که با امحای مظاهر ظلم، عدالت را در جامعه ملی ما، استقرار بخشد. حزب وحدت اسلامی، محصول بینش و آگاهی یست که در جامعه محروم هزاره، تعمیم یافته و در پرتو آن هر فردی از افراد جامعه سرنوشت خود را در پیوند با سرنوشت کل جامعه دانسته، اراده کرده اند که به تغییر آن در جهت زیستن شرافتمندانه و آزادانه بر اساس عدالت اجتماعی بپردازند. همان عدالتی که قیام خود را از آن آغاز کرده بودند، حالا می خواهند که با استقرار آن، کرامت و عزت یابند.

براین اساس حزب وحدت اسلامی، پرچمدار حرکتی است که عدالت سیاسی و برادری ملیت ها را، در کشور مطالبه می نماید. کارنامه سیاسی این حزب، در طول هفت سال حیات مبارزاتی اش، سند استراتژی بی می باشد که جز تساوی حقوق انسانی در جامعه، ملی و رعایت عدالت در حیات اجتماعی- سیاسی، مطالبات دیگری را نمی جوید، تلاش برای تحقق این هدف، نه فقط برای ملیت هزاره که به حیث زیر ساخت يك جامعه مدرن و آزاد، به پیش برده می شود. جامعه ای که، کرامت انسانی در آن مصون از تعرض و آزادی های فردی و حقوق اساسی تأمین باشد.

حزب وحدت اسلامی، میراث گرانبهای قاید شهید، مزاری بزرگ است. تردیدی نیست که حزب وحدت اسلامی، در برآیند مساعی کریمانه پیشوای شهید، تولد یافت و رشد و بالندگی خویش را نیز، مرهون نبوغ سیاسی اوست.

مزاری حقیقتی بود در گونه اسطوره که مردم ما، در چهره مصمم و پر صلابت او، به شناسایی خود، توفیق یافتند. مزاری، وجدان آگاه جامعه ما بود که هر فردی خود را در او می یافتند و او در جامعه ما، تنها بود. عظمت وجودی او بسیاری را به حقارت واداشت. خواستند تحقیر شان را با معامله جبران کنند، اما به ذلت بیشتر کشانده شدند. مزاری، پرچمدار وحدت بود. او وحدت را در عدالت می دید و تحقق عدالت را با وحدت. سر انجام قامت رسایش بجرم عدالتخواهی، به خویش آغشته شد. و با خویش سند حقانیت راهش را امضاء نمود.

اینک مردم ما وارث میراث گران بهایی است که قاید شهید شان، برجای گذاشته است. رهروان راستین راه او ازین میراث بزرگ تا پای جان حراست خواهند کرد. بیاد روزی که این سنگر خدشه ناپذیر با همت والای قاید شهید در بستر خود آگاهی اجتماعی مردم ما، تولد یافت، جشن پرشکوهی را در بامیان باستان برپا می کنیم. رهروان راه سرخ پیشوای شهید، ضمن آنکه در این جشن بزرگ، از میراث رهبر شان تجلیل می نمایند در تداوم خط خونین او «وحدت - عدالت» با یار دیرین و وارث برحق او، استاد خلیلی نیز پیمان می بندند.

«امروز ما»

مقام رهبری در دیدار با جمعی از داکتران:

حفظ حیات انسان بالاتر از همه عبادات است

شفابخانه، تشکر می کنیم، از اینکه زمینه تداوی را برای مردم، مساعد ساخته، مشکلات صحتی شان را تا، اندازه ای حل نموده اید، کاری قابل قدر است. حضور و پایداری شما، از صداقت و انسان دوستی شما سرچشمه می گیرد. من بوجود شما افتخار می کنم. ما خواهان آن هستیم که در تمام نقاط هزاره جات، مراکز صحتی توسعه پیدا نماید. به آینده خوشبین هستیم، به تمام مؤسسات صحتی جهانی گفته ایم، بیایند در هزاره جات کار نمایند. ما از هر گام مؤثری که در این راستا باشد، استقبال می کنیم، حفظ حیات انسان بالاتر از تمام عبادات است.

گزارش به نقل از یکی از داکتران علاوه می نماید: تا کنون در شفابخانه های یکاولنگ و بامیان، هزاران نفر تداوی شده اند و بیش از ۹۰۰ عملیات جراحی انجام شده، و تعمیر اطاق شفابخانه ها، ادامه دارد. بنا است که بخش ولادی نسایی نیز بوجود بیاید.

روز یکشنبه هفته گذشته، جمعی از داکتران مراکز صحتی بامیان و یکاولنگ، با مقام رهبری دیدار و گفتگو نمودند.

خبرگزاری وحدت اسلامی، از شهر باستانی بامیان، گزارش می دهد: در این دیدار ابتدا یکتن از داکتران، به نمایندگی از حاضرین، از ملاقات شان با مقام رهبری، اظهار خرسندی نموده، ضمن ارائه گزارش کاری، در مورد انکشاف مراکز صحتی در هزاره جات، پیشنهاداتی را بعرض مقام رهبری رسانیدند. در این پیشنهادات آمده است: داکتران و متخصصین باید جذب و دعوت شوند، جهت تسریع روند کار، مواد کافی در اختیار داکتران قرار داده شود.

آنگاه مقام رهبری از ملاقات داکتران، اظهار خرسندی نموده فرمودند: از داکتران محترم و تمام کارمندان هردو

طرح احیای ورزش در هزاره جات اسلامی، در دیدار حاجی ابراهیم پهلوان، قهرمان ملی کشور ما، با مقام رهبری مورد بررسی قرار گرفت

خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی با اعلام آمادگی حزب به ارتباط تأمین زمینه های ورزش و توسعه آن، ورزش را يك ضرورت در زندگی جامعه بشری دانسته، فرمود: ما آماده ایم هر چیزی را که برای مردم ما مفید باشد، تا حد توان، در خدمت جامعه فراهم نماییم. ما از پیشنهاد احیای ورزش در هزاره جات استقبال می کنیم. امید داریم که جوانان ما در این راه گام های بلندی بردارند، حزب در خدمت جوانان است.

عصر روز شنبه ۱۳۷۵/۴/۲۶ حاجی ابراهیم پهلوان، با حضور در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی با استاد خلیلی دبیر کل ح. و. ا. دیدار و گفتگو نمود.

طبق گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار، حاجی ابراهیم پهلوان، ضمن ابراز خرسندی، از ملاقاتش با مقام رهبری، اوضاع ناهنجار ورزش در کشور را، تشریح نموده، پیشنهاداتی را در جهت احیای ورزش در هزاره جات اسلامی، به حضور مقام رهبری مطرح نمود. آنگاه استاد

قوماندانان ولایت میدان با استاد عرفانی معاون اول شورای

مرکزی ح. و. ا. دیدار کردند

چشمان تیز فرزندان راستین مردم متوجه هرگونه حرکت توطئه آمیز می باشد.

طبق گزارش، سپس استاد عرفانی، حضور برادران را به بامیان خیر مقدم گفته، از تلاش و زحمات آنان، قدردانی نموده فرمودند: منافقین همواره می کوشند تا هزاره جات را نا امن سازند و در هزاره جات جنگ و خونریزی برپا اندازند. آنها فعلاً در وضعیتی هستند که در جایی غایب خلق کنند و آن را بزرگ نموده دلیل موجودیت خود سازند. این نهایت ذلت و خواری است که کسانی از طریق شرارت، موجودیت خود را اثبات نمایند.

و لی شما برادران ککش کنید، جلو توطئه ها را در نطفه گرفته، نگذارید، برای مردم مشکلی پیش آید، مردم باید در امن و امان زندگی کنند. رعایت شرایط زندگی مردم واجب است.

هر راه حلی که ...

رهبر شهید، مزاری بزرگ برای شیعه، آب حیات بود و ما باید مزاری ها می داشتیم، شهادت استاد مزاری و تحول بعد از آن در کابل، فاجعه دردناکی بود. کسانی که احساس دارند باید برای شیعه خون گریه نمایند.

سپس استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی در صحبت مفصل، حوادث پیش آمده بعد از سقوط غرب کابل تا حال را، تشریح نموده، تلاش های بی دریغ حزب وحدت اسلامی را در راستای صلح و جلوگیری از جنگ در هزاره جات بیان فرمودند.

مقام رهبری در ارتباط با هدف سفر هیئت به بامیان فرمودند. هر راه حلی را که در قسمت قطع جنگ و برقراری آتش بس، در نظر داشته باشید، ما قبول داریم، خواست ما این است که مردم ما با عزت و سرفراز باشند من از جنگ بین مردم کشور نفرت دارم.

گزارش علاوه می نماید، همچنین این هیئت با شورای مساجد هزاره جات نیز دیدار نموده، در ضیافت شامی که از طرف این شوری، ترتیب یافته بود شرکت کردند.

اطلاعیه

بدین وسیله به اطلاع عموم علاقمندان، رسانیده می شود که فیلم های ذیل جهت تکثیر در دفتر فرهنگی حزب وحدت اسلامی موجود است:

۱- مصاحبه خبرنگاران تلویزیون پیام آزادی و خبرگزاری وحدت اسلامی با رهبر شهید.

۲- سخنان رهبر شهید با نمایندگان مردم قلعه، شهادت و قلعه، وزیر.

۳- ملاقات مولوی جلال الدین حقانی با رهبر شهید.

۴- سخنرانی رهبر شهید در افتتاح دانشگاه کابل.

علاقمندان می توانند همه روزه از ساعت ۹ صبح الی ۲ بعد از ظهر به استثنای روزهای جمعه به دفتر فرهنگی حزب وحدت اسلامی مراجعه نموده فیلم های مورد علاقه، خویش را به دست آورند.

آدرس: خجرباد - پهلوانه البدر هسپتال.

دفتر نمایندگی حزب وحدت اسلامی افغانستان

حزب وحدت اسلامی چه در زمان ...

غاز سیاسی عبادی جمعه هفته گذشته با شرکت گسترده مردم متدین بامیان، مسئولین و پرسونل کمیته ها، مسئولین ولایتی بامیان، ریاست، اساتید و محصلین دانشگاه بامیان، مجاهدین قطعات اردوی حزب وحدت اسلامی، با حضور مقام معظم رهبری و اعضای شورای عالی نظارت و مرکزی ج. و. ا. ا. در مسجد تولواره شهر باستانی بامیان به امامت حضرت آیه ... صادقی پروانی رئیس شورای عالی نظارت، با شکوه هرچه تمامتر برگزار گردید.

خبرگزاری وحدت اسلامی از شهر باستانی بامیان گزارش می دهد؛ مراسم غازی جمعه این هفته با آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید و پس از آن گروه سرود محراب، قطعه سرودی را اجرا کردند. آنگاه حجة الاسلام شیوا، پیش از خطبه های غازی، سخنرانی نمودند.

طبق این گزارش پس از پایان سخنرانی، حضرت آیه ... صادقی پروانی، به ایراد خطبه های غازی جمعه پرداختند. ایشان در خطبه اول، ضمن توصیه مردم به رعایت تقوای الهی، روی اهمیت مسئله امر بمعروف و نهی از منکر صحبت نموده، فرمودند: اگر سنت امر بمعروف و نهی از منکر در جامعه وجود نداشته باشد، دیانت در جامعه ضعیف شده دین به زودی از بین می رود. امر بمعروف و نهی از منکر ضامن راستی و درستکاری در جامعه است.

طبق این گزارش، خطبه دوم غازی، به مسئله جهاد، اختصاص داده شده حضرت آیه ... پروانی، ضمن تشریح انواع و مراحل جهاد، به بیان رابطه حوادث روز، با جهاد پرداختند. ایشان با اشاره به مطالبی که بر مردم ما روا داشته می شود، فرمودند: مردمی که مورد ظلم و تعدی واقع می شوند بر آنها واجب است که به دفاع از خود قیام نمایند. حزب وحدت اسلامی، چه در زمان استاد شهید و چه در زمان دبیر کل محبوب و خردمند کنونی، امتداد خلیلی، همیشه در حال جهاد دفاعی بوده است.

وی با ذکر حوادث غمبار سقوط غرب کابل و شهادت پرچمدار عدالت سیاسی و وحدت ملی، مزاری بزرگ، افزودند: بعد از سقوط غرب کابل، مردم بی دفاع ما، در حال فرار، مورد حمله ناجوانفردانه دشمنان و بمباران آن ها، قرار گرفته گروه گروه به شهادت رسیدند. این کاری بود که بر خلاف اصول اسلامی و خوی انسانی «حق» مردم ما انجام شد و ازین گونه ها بسیار فراوان در تاریخ خونبار مردم ما یافت می شود. لکن با همه این ها، مردم ما از پای ننشستند، استوار و مقاوم ایستادند و با دشمنان حق و عدالت مقابله کردند. پس از پایان خطبه ها، غازی جمعه به امامت حضرت ایشان اقامه گردید ■

حزب وحدت طرفدار جنگ نیست ...

گزارش مفصلی از اوضاع نظامی و سیاسی مناطق بامیان، مخصوصاً پنجاب و ورس، ارائه داده، اوضاع را کاملاً آرام و عادی توصیف نمود. جنرال علی یار اضافه نمود؛ قوای مسلح حزب وحدت آماده هر نوع فداکاری، برای استقرار امنیت و آرامش در هزاره جات می باشد. نیروهای مسلح حزب، صرف در چارچوب مصالح مردم عمل می کنند. هدایت های رهبری، استراتژی نظامی ما را تعیین می نماید. قوای مسلح آماده است، در هر نقطه که اغتشاش بوجود بیاید، عامل های اغتشاش را سرکوب نماید. فعلاً نیروهای ما در قرارگاه های خود در حال آماده باش و احضارات کامل می باشند. چون دشمنان مردم ما ثابت کرده اند که زندگی مردم، برای آن ها، هیچ ملاحظاتی را بر نمی انگیزد. ما مجبور هستیم که از زندگی و سربلندی مردم خود دفاع نماییم.

سپس مقام رهبری از زحمات و فداکاری های همه فرماندanan قطعات و جزو تام های اردوی قهرمان حزب وحدت اسلامی تقدیر و تشکر نموده، فرمودند، اردوی قهرمان حزب وحدت اسلامی به اثبات رسانیده اند که توان دفاعی بسیار نیرومندی را دارا هستند، ما همیشه این ملاحظه را داریم که ضرر و آسیبی به مردم نرسد. حزب وحدت طرفدار جنگ نیست و لی دفاع را حق مشروع خود می داند، هر وقت دشمن دست از شرارت بردارد، ما دلیلی نمی بینیم که به جنگ اصرار کنیم. باید حجت برای همه تمام شود، عذری برای کسی باقی نماند. اگر کسی بنا باشد، از مشی صلح آمیز حزب وحدت اسلامی سو استفاده نماید، آنوقت ما مجبور خواهیم شد که اقدامات جدی را در پیش گیریم. امیدواریم که دیگر چنین شرایطی پیش نیاید.

در جلسه روز شنبه هفته گذشته ...

خبرگزاری وحدت اسلامی به نقل از دارالانشای شورای مرکزی، خبر می دهد؛ در این جلسه که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز یافت، ابتدا حجة الاسلام والمسلمین حاج دولت حسین رفیعی، رئیس شورای ولایتی بغلان، گزارش مفصل از سفر خویش را تقدیم نموده آنگاه حجة الاسلام عارفی که جدیداً به عضویت شورای مرکزی پذیرفته شده است و به تازگی از ایران وارد بامیان گردیده بود، با تشریح وضع مهاجرین در جمهوری اسلامی ایران، سلام های گرم و احترامات عمیق هموطنان مهاجر را به شورای مرکزی و مقام معظم رهبری تقدیم نمود.

وی در بخشی از گزارش خود گفت: مردم واقعاً، حزب وحدت اسلامی را تنها جریانی می دانند که مدافع حقوق شان می باشد. امسال تنها در شهر مشهد، حزب وحدت اسلامی، در مراسم عزاداری ایام عاشورا، بیش از شش هزار سینه زن داشت و این حکایت از علاقمندی مردم به حزب شان می کند.

گزارش علاوه می نماید؛ در این جلسه حضرت حجة الاسلام والمسلمین استاد عرفانی، معاون اول شورای مرکزی و رئیس کمیسیون برگزاری مراسم هفتمین سالگرد تأسیس حزب وحدت اسلامی، از روند کاری این کمیسیون گزارش داده، در اخیر فیصله بعمل آمد که تسهیلات لازم برای مهمانان این مراسم، در نظر گرفته شده، کمیته های خدمات و روابط با همکاری، ولایت بامیان، باید در زمینه اقدامات لازم را بعمل آورند. مخصوصاً در قسمت راه های مواصلاتی باید تسهیلات بیشتر در نظر گرفته شود.

هیئت شورای تهاجم و حسن نیت ...

خبرگزاری وحدت اسلامی گزارش می دهد؛ در این دیدار ابتدا رئیس هیئت، هدف از سفر این هیئت را از کابل به بامیان تشریح نموده، خواستار همکاری حزب وحدت اسلامی در راستای تحقق آن گردیدند.

آنگاه استاد عرفانی، با قدردانی از تلاش های هیئت، در جهت برقراری صلح، ورود شان را به بامیان، خبر مقدم گفته فرمودند؛ سیاست حزب وحدت اسلامی همان سیاست رهبر شهید می باشد، ما همیشه از تلاش های خیر خواهانه، در جهت برقراری صلح در کشور، جانب داری نموده ایم. مشی صلح آمیز حزب وحدت، ایجاب می کند که با هر گامی در راستای صلح، همراهی نماییم. حالا که شما می خواهید در این راه گام بردارید، همکار خوبی با شما خواهیم بود.

طبق همین گزارش، همچنین جمعی از دانشجویان پوهنتون مدافعه هوایی شیرغان نیز با حضور در اقامتگاه معاون اول شورای مرکزی حزب، با وی دیدار کردند. در این دیدار، ابتدا دانشجویان، ضمن گزارش مفصل از وضعیت پوهنتون و کیفیت تحصیلی محصلین، ابراز مسرت کردند که حزب شان را تا این اندازه قوی، منسجم و هماهنگ می بینند.

آنگاه استاد عرفانی، با تشکر از زحمت کشی دانشجویان فرمودند؛ یک ملت موقعی می توانند سر بلند زندگی نمایند که افراد آن ملت از توانایی های علمی، سیاسی و نظامی برخوردار باشند. الحمد لله امروز روحیه بسیار خوبی در میان مردم ما ایجاد شده، همه در این فکر افتاده اند که کاری برای مردم خود بکنند. در هر جهت تلاش و کوشش دیده می شود.

این مایه امیدواری ماست. شما دانشجویان عزیز، چشم و چراغ امید مردم ما هستید. کوشش کنید مشعل علم و دانش را به طور بسیار روشن، بر افروخته نگهدارید و خود را به مدارج بالایی از علم و تخصص برسانید.

تهاداب سنگ لیسه انقلاب ...

مؤسسه مدیرا گذاشته شد، صدها تن از مردم و مسئولین ولایت و ولسوالی، علما و متنفذین حضور داشتند.

طبق این گزارش بودجه ساختمان این لیسه، از سوی مؤسسه مدیرا پرداخت گردیده و قرار است که کار ساختمان این لیسه، پیش از فرا رسیدن فصل سرما و در مدت چند ماه آینده تکمیل گردد.

یکی از مسئولین منطقه، تأسیس این لیسه را گام مهمی در جهت رفع محرومیت فرهنگی دانسته، تأکید نمود که باید گام های دیگری نیز برداشته شود. مراکز تعلیمی در این منطقه، بسیار کم است، اما عطش و شوق علم آموزی فراوان.

وسایل ارتباط جمعی باید ...

هدایت شود.

این خبر نگار می گوید: طی چهار سال گذشته، رادیو تلویزیون و آژانس باختر تحت کنترل کامل شورای نظار بوده اوامر دستورات وزیر اطلاعات و کلتور، هیچوقت مورد توجه و عمل واقع نگردیده است. بطور مثال، بعد از صدیق چکری، دلجو حسینی و پس از آن مولوی ولاجان وثیق، سرپرست این وزارت، همیشه از رادیو تلویزیون، شکایت داشتند. اینان گلایه می کردند که نه تنها رهنمودهایشان در برنامه ها، مورد توجه قرار نمی گیرد بلکه خبر های مربوط خود وزراء هم، مختصر و قیچی می گردد. گفته می شود یکی از دلایلی که دلجو حسینی از وزارت، کشیده شد و در حال حاضر بعنوان ناراضی در ایران بسر می برد، همین جنجال های نشراتی و عدم اطاعت اداره رادیو تلویزیون، از دستورات وی بوده است.

خبرنگار موصوف می افزاید: در این روزها بر خلاف توقع، احمد شاه مسعود، با کشیدن نیروهای خود، از کنترل مستقیم رادیو تلویزیون و دیگر مؤسسات خبری، صرف نظر نموده، آن را به انجنیر حکمتیار صدراعظم و امیر حزب اسلامی واگذار نموده است و انجنیر حکمتیار در هماهنگی با وزیر فعلی وزارت اطلاعات و کلتور، قیام الدین کشاف، سخت تلاش دارد که برنامه های نشراتی را اسلامیزه نماید.

قرار راپور های واصله از کابل، طبق نظر انجنیر حکمتیار، صدراعظم و امیر حزب اسلامی، موسیقی باید از رادیو تلویزیون حذف شده، سینماها در صورتی فعالیت می توانند که فیلم های مطابق با موازین اسلامی، نمایش بدهند. زن ها می توانند در ادارات کار کنند اما مکلف هستند که حجاب اسلامی را رعایت نمایند.

طبق این راپور، دستور بستن سینماها تا اطلاع ثانوی، عکس العمل منفی قماشکننده گان را، بر انگیزته است. مردم می گویند: مشکل اصلی جنگ است، اول باید جنگ خاموش شود، آنگاه به مسایل دیگر پرداخته شود.

سخنگوی مسعود نیز در يك عکس العمل منفی نسبت به اقدامات صدراعظم، اینگونه دستورات را مربوط شخصی انجنیر حکمتیار، قلمداد نموده، ارتباط آن ها را با دولت انکار نمود. یقیناً سخن امیر حزب اسلامی مبنی بر اینکه وسایل ارتباط جمعی باید از نو بنیاد شوند، خوش آیند مسعود نخواهد بود؛ زیرا که این سخن صریحاً سیاست نشراتی شورای نظار را زیر سوال برده آن را تخطئه می نماید. معلوم نیست این گونه جنجال ها به کجا منتهی خواهد شد ■

شورای مرکزی تحت ریاست استاد خلیلی ...

برگزاری مراسم هفتمین سالگرد تأسیس حزب وحدت اسلامی که نقطه عطفی در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مردم ما محسوب می گردد، بحث و تبادل نظر صورت گرفته، روی کیفیت هر چه بهتر مراسم تأکید به عمل آمد.

گفتنی است که در سالگرد تشکیل حزب وحدت اسلامی، علاوه بر مراسم با شکوه جشن و سرور، سیمیناری تحت عنوان «سیمینار وحدت و احیای هویت» نیز برگزار می گردد.

در دیدار رئیس دانشگاه بامیان با مقام

رهبری، در مورد ایجاد یو هنجی طب،

فعال شدن دیپارتمنت جیولوجی و معدن

و لابراتوار ها، تصامیمی اتخاذ کردید

صبح روز یکشنبه ۱۳۷۵/۴/۲۴ پوهافل داکتر محمد کاظم تورا، رئیس دانشگاه بامیان، درمقر مرکزی حزب وحدت اسلامی با استاد خلیلی دبیر کل این حزب، دیدار و گفتگو نمود.

خبرگزاری وحدت اسلامی در زمینه گزارش می دهد؛ در این دیدار به ارتباط ایجاد پوهنجی طب، فعال شدن دیپارتمنت جیولوجی و معدن و لابراتوارها در دانشگاه بامیان از طرف ریاست دانشگاه، پیشنهادی ارائه گردید که از طرف مقام رهبری پذیرفته شده در زمینه تصامیم مقتضی اتخاذ گردید.

مسئولین حوزه یکاولنگ با مقام محترم رهبری دیدار کردند

روز پنجشنبه هفته گذشته، حجج اسلام استاد محمدی، رئیس حوزه یکاولنگ و استاد شریفی عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی، با حضور در اقامتگاه مقام رهبری، با ایشان دیدار کردند.

به گزارش خبر نگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار استاد محمدی، گزارش مفصلی از اوضاع منطقه یکاولنگ و نحوه پیشبرد امور سیاسی و نظامی منطقه از سوی حوزه یکاولنگ، تقدیم حضور مقام رهبری نموده، از جریان کاری آن حوزه و روحیه عالی مجاهدین حزب وحدت اسلامی، اطمینان خاطر دادند. آنگاه استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی با تقدیر از حسن اجرای وظایف مسئولین حوزه یکاولنگ و ستایش از روحیه عالی مجاهدین سر بلند آن حوزه، هدایت دادند که در جهت بالا بردن سطح آگاهی مجاهدین، باید تلاش جدی صورت گیرد. مقام رهبری فرمودند: گرچه تا هنوز امور به خوبی جریان داشته و مردم شریف یکاولنگ ثابت نمودند که به اندازه کافی هوشیار و بیدار می باشند. لکن به این اندازه نباید بسنده کرد، تلاش های آگاهی بخش، باید با جدیت بیشتر ادامه یابد.

مقام رهبری در دیدار با نماینده گان شورای مساجد کابل: هر راه حلی را که در قسمت قطع جنگ و برقراری صلح در نظر داشته باشید ما قبول داریم. خواست ما این است که مردم ما با عزت و سرفراز باشند، ما از جنگ بین مردم کشور خود نفرت داریم

هیئتی از نماینده گان این شورا، وارد بامیان شده بود. از ملاقات شان با مقام رهبری، ابراز خرسندی نموده، ضمن بیان هدف سفر هیئت به بامیان، گزارش مشروحی از اوضاع کابل، خدمت مقام رهبری ارائه نمود.

وی در قسمتی از صحبت هایش گفت: موجودیت ص ۶

صبح روز شنبه مطابق با ۱۳۷۵/۴/۲۳، استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، نماینده گان مساجد کابل را غرض ملاقات بحضور پذیرفته با آن ها گفتگو نمودند.

به گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی از شهر باستانی بامیان، محترم سید قاسم عالمی، رئیس شورای مساجد کابل که در رأس

مقام رهبری در دیدار با متنفذین کالو، در مورد فعال شدن چند باب مکتب در منطقه کالو هدایت دادند.

عرایض و مشکلات مردم منطقه را بعرض مقام رهبری رسانده از ایشان خواهان هدایت گردیدند.

مقام معظم رهبری پس از استماع عرایض، در رابطه به رفع مشکلات مردم، بخصوص فعال شدن چند باب مکتب محلی، به مراجع مربوطه هدایت دادند.

مقام رهبری، در راستای سیاست انکشاف و گسترش مراکز تعلیمی، در دیدار با علما و متنفذین منطقه کالو، هدایت دادند که چند باب مکتب محلی در این منطقه ایجاد گردد.

خبرگزاری وحدت اسلامی از شهر باستانی بامیان گزارش می دهد، صبح روز یکشنبه هفته گذشته، علما موسفیدان و متنفذین کالو، با حضور در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی، با مقام معظم رهبری دیدار و گفتگو نمودند.

طبق این گزارش، در این دیدار ابتدا نمایندگان مردم کالو،

شورای مرکزی تحت ریاست استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی تشکیل جلسه دادند

اوضاع سیاسی نظامی کشور، از اوضاع عمومی و روند سیاست حزب وحدت اسلامی، تحلیل عمیق و همه جانبه ارائه داده، اجندای جلسه را اعلام فرمودند. آنگاه اعضای حاضر در جلسه، روی مسایل مطروحه بحث و تبادل نظر نموده، تصمیم مقتضی اتخاذ کردند.

طبق این گزارش در این جلسه، در مورد چگونگی ص ۷

روز چهارشنبه هفته گذشته، جلسه مشترک شورای عالی نظارت و مرکزی، تحت ریاست استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، تدویر یافت.

خبرگزاری وحدت اسلامی به نقل از دارالانشای حزب، گزارش می دهد: جلسه با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید و پس از آن استاد خلیلی دبیر کل ح. و. ا. ا. ضمن گزارش مفصل از

جمعی از محصلین پوهنتون مدافعه هوایی شبرغان با استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی دیدار کردند

خبرگزاری وحدت اسلامی به ارتباط این دیدار گزارش می دهد: در این دیدار ابتدا، محترم شریف نظری حاضرین را، حضور مقام رهبری معرفی نموده، گزارشی از وضع محصلین و کیفیت تحصیلی پوهنتون مدافعه هوایی شبرغان به عرض مقام رهبری رساندند.

محترم شریف نظری در قسمتی از گزارشش گفت: تعداد ۲۳ نفر از محصلین حزب وحدت اسلامی در پوهنتون مدافعه هوایی مشغول می باشند. وی رویه استادان را در این پوهنتون، بسیار خوب و روحیه محصلین را در امر تحصیل در حد عالی، توصیف نمود.

موصوف به ارتباط تأسیس دانشگاه بامیان گفت: حزب وحدت اسلامی با تأسیس دانشگاه در بامیان، تاریخ نوی را در هزاره جات آغاز کرده و گام مهمی را در راه ترقی برداشته است. آنگاه استاد خلیلی دبیر کل ح. و. ا. ا. با تشکر و قدردانی از تلاش ها و کوشش های محصلین در راه فراگیری دانش و آرزوی توفیق و کامیابی بیشتر، در امور افتتاح دانشگاه بامیان فرمودند: مصمم هستیم که در سال آینده این دانشگاه را در رشته های دیگر نیز توسعه دهیم. و امیدوار هستیم که این دانشگاه، دانشمندان زیادی را تحویل جامعه ما بدهد.

صبح روز شنبه مطابق با ۱۳۷۵/۴/۲۳، جمعی از محصلین پوهنتون مدافعه شبرغان، وارد بامیان شده با حضور در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی با استاد خلیلی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان دیدار کردند.

در سلسله عملیات تصفیوی و تأمین امنیت، منطقه ششیر، بریکی و دشت ناهور از وجود مزدوران شرارت پیشه اداره کابل، پاکسازی شد

زخمی می باشد در اسارت نیروهای لوی شهید ابوذر قرار گرفته است.

گزارش علاوه می دارد در این عملیات تصفیوی، دو پایه هاوان، یک پایه دهشکه و یک زیکیو نیز به غنیمت نیروهای لوی شهید ابوذر در آمده است.

قابل ذکر است که فعلاً صلح و امنیت کامل در منطقه برقرار شده عبور و مرور مسافرین بصورت عادی جریان دارد.

سنگ تهداب لیسه انقلاب در ولسوالی حصه اول بهسود گذاشته شد

روز چهارشنبه مطابق با ۱۳۷۵/۴/۲۰، سنگ تهداب لیسه انقلاب در ولسوالی حصه اول بهسود، توسط رئیس مؤسسه مدیرا گذاشته شد.

خبرگزاری وحدت اسلامی خبر می دهد: در مراسم تهداب گذاری لیسه انقلاب که اولین سنگ بنای آن توسط جان، رئیس ص ۷

در طی سه روز عملیات تصفیوی که از تاریخ ۱۳۷۵/۴/۲۰ توسط لوی قهرمان شهید ابوذر به فرماندهی جنرال عرفانی، آغاز شده بود، مناطق ششیر، بریکی و دشت ناهور، کاملاً پاکسازی گردید.

به گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی، افراد مزدور باند خیانت و معامله که به پیروی از سیاست های جنگ افروزان اداره کابل در هزاره جات، تلاش می کردند تا امنیت ساحات ولایت غزنی را، بهم زده، زندگی عادی مردم را مختل نمایند، پس از تصفیه زردالو و تمام مناطق قره باغ که منجر به کشته شدن بیش از ۱۲ نفر و اسارت ۲۵ نفر از شرارت پیشه گان گردید؛ در منطقه دشت ناهور، تجمع نموده می خواستند، از طریق ششیر و بریکی، راه های منتهی به جاغوری را، نا امن ساخته، به راهزنی دست یازند.

لوی قهرمان شهید ابوذر که خود را متعهد به حفظ امنیت منطقه و راه ها می دانند، اقدام به یک عملیات تصفیوی نموده، از تاریخ ۴/۲۰ تا ۱۳۷۵/۴/۲۳، تمام مناطق متذکره را، پاکسازی کردند.

قرار این گزارش، نیروهای مزدور باند خیانت و معامله، با بجا گذاشتن نه نفر کشته و زخمی، از دشت ناهور، به طرف شهر غزنی متواری شدند و یکی از قوماندانان مهم این نیروها که فعلاً

هفته نامه سیاسی، فرهنگی و خبری

امروز ما

زیر نظر شورای نویسندگان

UNIVERSITY TOWN P. O. BOX: 1073

PESHAWAR - PAKISTAN

قیمت یک شماره: ۳ روپیه یا معادل آن